

# آیا هورامی کوردی نیست؟....

احمد شریفی

شاید حدود چهل پنجاه سال پیش، بعضی از خیرخواهان کرد که چشم دیدن زبان و فرهنگ، ادبیات و موجودیت، کردایتی و هویت کردی را نداشتند، طی - به اصطلاح - کردشناسی خود این موضوع توطئه و تفرقه برانگیز را علم کردند که اورامی ها در ایران و عراق و زازاکی ها در استان پرجمعیت، کوهستانی و جنگلی استان «درسیم» در کردستان ترکیه کرد نیستند. سال ها از این ترهات گذشت و دانشمندان کرد و کردشناسان دولت کرد، کم و بیش به این ذهنیت غیر علمی پاسخ ها دادند و چنان مدعیانی نیز خاموش گشتند. ولی متاسفانه در این اواخر و چندسال گذشته، این تز نامیمون این بار گریبانگیر بعضی از به اصطلاح نویسندگان کرد به ویژه در اورامان ایران شده است و بدون کنکاش و پژوهش در زبان و لهجه های کردی، به دنبال هویت غیرکردی برای اورامانی ها و لهجه ی همیشگی کردی اورامی برآمدند که شاید آخرین نمونه آن نوشتار «زبان هورامی به دنبال هویت دیرین» از کوروش امینی در سیروان شماره ۳۹۰ شنبه ۲۴ تیر ۸۵ باشد. اگر چه من در این نوشتار در صدد پاسخگویی به کاک کورش نیستم، اما در سراسر مقاله وی سندی دال بر هویت مستقل لهجه اورامی نیافتم. گذشته از این اشاره و استناد به منابع و کسانی چون دهخدا و محمدرضا باطنی «کردی ندان» چه دردی را دوا می کند و چه نا انگاره ای را انکارخواهد کرد؟ چنان کسانی که حاضر به پذیرش و پذیرفتن هویت و موجودیت کرد و کردها نبوده و نیستند، به نوشتارشان هرگز نمی توان اطمینان و بسنده کرد. چنان کسانی را باید جزو نژادپرستان مردودی دانست که حتی چند قدمی خود را نمی بینند و ندیده اند، بلکه از هویت و موجودیت ملی خود نیز بی خبر بوده اند و بر بی خبران نیز کشکک صلوات .

شیخ ورجاوند آیت الله «مردوخ» اورامی را جزو لهجه ی کردی به حق معرفی کرده اند (۱)، و زبان شناس نامور روس «ای.م. ارانسکی» نیز اورامانی را لهجه ای از گورانی کردی میدانند و پای را فراتر نهاده و همه ی لهجه های مرکزی ایران (سمنانی) و سرزمین فارس و سیوندی و هم چنین کرانه های خزر را در همین دایره ارزیابی می کنند (۲) و عالمانه لهجه های لری و بختیاری را در سیطره زبان کردی می دانند و بسیاری دیگر از زبان شناسان اروپایی نیز اورامی را لهجه محض کردی دانسته اند .

واقعیت این است که به دنبال گسترش آیین ها و باورداشت های کردی یاری و یارسان، کاکه ای و اهل حق و برگزیده شدن لهجه ی اورامی به عنوان زبان متون مقدس و به ویژه در

دوران حضرت «سلطان سهاک» (سلطان اسحق برزنجی) در قرن هشتم، دوران شکوفایی این لهجه فرا رسیده بود و اکنون ده ها و صدها متون مقدس آن آیین ها به لهجه ی اورامی در دسترس است. در عصر فرایندتری با شکل گیری امارت مستقل و نیمه مستقل اردلان، لهجه ی اورامی در سراسر جنوب کردستان ایران و کرمانشاه و لرستان فرا گسترتر گردید، بر همه ی لهجه های دیگر جنوبی تسلط یافت و صدها تن از شعرای لک و لر، اورامی و جاف، بختیاری و خوزیانی شاهکارهایی به این لهجه ی کردی سروده و حق کردند و هیچ کدام از آن شعرا نیز، اورامی را لهجه ی مستقل و غیر کردی ندانستند. در همین راستا باید به سروده معروف «خانای قبادی» اشاره کرد که در حدود سال ۱۱۵۳ هـ ق مثنوی شیرین و خسرو را به لهجه ی اورامی سروده و با افتخار بر کرد بودن اشاره کرده و می فرمایند :

**راسته ن مواچان فارسی شه که ره ن**

**کوردی جه فارسی بل شیرین تهره ن**

**په ی چیش، نه دهوران تهی دنیای به رکیش**

**مه خفوره ن هه رکه س به زبان ویش (۳)**

**جه لای عاقلان صاحب عقل و دین**

**دانا بزورگان کوردستان زه مین**

**به نه فز کوردی کوردستان ته مام**

**پیش بووان مه حفوز باقی وه سه لام (۴-۵)**

گذشته از این، اندیشمند بزرگ کرد دکتر «سعید خان کردستانی» که خود اهل اورامان بوده و کتاب وزینی به نام «نزانی مزگانی» به لهجه ی اورامی سروده و از خود باقی گذاشته اند و در مقدمه ی کتاب به زبان فارسی به جستاری زبان شناختی کردی پرداخته و به نکات بسیار جالبی درباره سنندج سال ۱۳۰۰، اشاراتی دارند و می نویسند :

«سنندج دارالعلوم به دار الجهل مبدل گشته، دیدن این اوضاع مرا بسیار پریشان نمود، خلاصه چون دیدم خانقه معمور درویشان خراب و .... لهجه نرم و شیرین اورامی از میان رفته، شاید چند نفر پیرزن در گوشه و کنار هنوز به آن متکلم باشند ... اشعار آبدار شاعران قدیم را فراموش کرده اند، نه «صیدی قدیمی» معروف صحبتی و نه از «صیدی ثانی» حرفی در میان است و «بیسارانی» را به طاق نیسان گذارده اند، شفیع و شهاب، اشعار «امان الله خان ثانی» و «حسین قولی خان» و «مولوی معنوی» خبر ندارند و از «خانای قبادی» که در آزادی خیال و تنفیذاتش بر خیام رجحان دارند اطلاعاتی در بین نیست، حتی از اشعار «مصطفی دلی دلی» که مقداری کثیری از شاهنامه را به کردی درآورده بی اطلاعند و از شعرای شمال حتی اسمی هم نشنیده اند و اشعار ملا پریشان و ملا حق علی به گوششان نخورده است.» ( ۶ )

دکتر «کردستانی» ساکنان دامنه های دماوند، سمنان، دامغان و غیره را کردانی می دانند که پراکنده شده اند، به این وصف نیز لغات کردی خود را حفظ کرده اند. (۷) اشعار «باباطاهر» و «سلطان سهاک» و یارانش یعنی «پیر بنیامین» و «داوود ورزوار» را کردی می خوانند (۸)، و قدیمی ترین شکل الفبای کردی قدیم را ارائه می دهند که «احمد نبطی» در سال ۱۰۶۰ سال قبل آن را انتشار داده (۹) و سپس می نویسند :

مخفی نماناد اورامان به ملاحظه سختی و صعوبت عبور از جنگل ها، اسکندر کبیر آنجا را زندان قرار داده بودند، مقصرین بزرگ را به آنجا تبعید می نمود و فردوسی می گوید :

سکندر بهر کس غضب در گشود

اشاره به زندان اورامن نمود (۱۰)

دکتر سعید خان کردستانی درباره دیوانش که به لهجه ی اورامی است، می نویسد: در اوقات مسترقه و تعطیل از کار مطالبی به شعری کردی نوشتم، اولاً باید عرض کرد و عذر خواست که شاعر نیستم و ادعایی هم ندارم ... و اشعار مرا اگر در ردیف اشعار آبدار شعرای کرد بگذارند. (۱۱)

دکتر سرانجام می نویسد: اگر این نمونه جزیی اسباب تشویق اذهان جوانان با ذوق اکراد بشود به کمال برسانند تشجیعیات بنده ضایع و بی ثمر نشده است. (۱۲)

دکتر سعید خان کردستانی در دیوان اشعار ۵۱۵ صفحه ای و ۵۷۰۵ بیتی که به لهجه اورامی سروده اند و نیز در مقدمه ی ۲۰ صفحه ای به زبان فارسی، بارها و کرارا اورامی را لهجه ای از زبان کردی دانسته و معرفی کرده است. این را نیز باید خاطر نشان کنم که دکتر سعید خان کردستانی در دانشگاه های سوئد و انگلستان تحصیل کرده و با کرد شناسان عصر خود رابطه ی نزدیکی داشته است و در انتقال و خواندن قواله و قباله های اورامان نقش اساسی داشته است و هرگز هم فراموش نکرده اند که ایشان یک کرد اورامی لهجه می باشند و در دیوانش به کرات به این مسئله اشاره ورزیده اند .

گذشته از این، صدها تن از پیران و رهبران آیین یاری و یارسان، رهبران و شاعران اورامی گوی آنان، در شعر و سروده های خود، خود را از کردان جدا ندانسته و به کرد بودن خود نیز افتخار کرده اند .

**بهبول ماهی در سال ۲۱۹ ه.ق به لهجه ی اورامی می فرمایند :**

**چه نی نیرمانان، مهگه نیم ههوردان**

**مهکوشم پری، نایین گردان (۱۳)**

**«شاه ویس قولی» متولد ۸۱۰ ه.ق در کوهستان شاهوی اورامان خود را چنین معرفی می کنند :**

**ئه سلمه ن جه کورد، نه سلمه ن جه کورد**

**بابؤم کوردنانه ن، نه سلمه ن جه کورد (۱۴)**

اگر در این راستا به نامه ی سرانجام و دیگر کتب و متون مقدس یارسان نگریسته شود، مشاهده خواهد شد که صدها تن از شاعران و رهبران کرد یاری که اغلب اورامی تبار و به لهجه ی اورامی شعر سروده اند، همگی خود را کرد معرفی کرده و زبان خود را کردی دانسته و اورامی را جدا از کردی ندانسته اند که یکی از معروف ترین آنان «مصطفی بن محمود گورانی» است، هم چنان که دکتر سعید خان نیز اشاره کرده اند، بخش اعظمی از شاهنامه را به کردی و لهجه اورامی سروده اند که برادر ارجمندم دکتر «ایرج بهرامی» که خود نیز از پیروان آیین یاری هستند آن را به نام شاهنامه کردی به چاپ رسانیده اند. (۱۶-۱۵)

حال این سؤال پیش می آید که جناب کورش امینی و اگر هم اندیشانی داشته باشند چرا و چگونه اورامی را جدا از زبان کردی می دانند؟ و در صدد تراشیدن هویت مستقلی برای آن هستند؟ از دگر سوی منطقه اورامان تخت و لهن و دربند در قلب کردستان جای دارند و اورامان را نمی توان جدا از کردستان دانست. در همین راستا ضروری است که اشاره شود اکنون در کردستان ترکیه به دو لهجه ی رسای و اصلی کرمانجی و زازاکی تکلم می شود. متکلمین بی سواد و روستایی به این دو لهجه گاهی مجبورند و ناچار برای بیان مطالب خود با همدیگر به ترکی سخن بگویند، چون این دو لهجه از نظر ساختار و واژگان با همدیگر تفاوت های گویشی و تلفظی دارند، با این وصف نیز آنها خود را کرد می دانند و تفاوت لهجه مانع از آن نخواهد بود که خود را جدا از یکدیگر قلمداد کنند. اگرچه کلام حضرت پیرولات (سید رضای درسیمی علوی) و «پیر سلطان ابدال» و «پیر سلطان بگتاش» که به لهجه درسیمی هستند در بسیاری از موارد برای ساکنان آمید، وان، موش، شمزینان، چولیک، جولمرگ و بدلیس و ... تا حدودی غیرقابل فهم و درک است، ولی هرگز گویشوران این دو لهجه خود را جدا از هم نمی دانند و خواست خیر نخواهان کرد اهمیت نمی دهند و این لهجه ها را جدا از زبان کُردی تلقی نمی کنند .

بگذارید در همین راستا به خاطره ای اشاره کنم. من حدود ۱۸ سال در کرماشان زندگی کرده ام و تقریباً به همه ی روستاهای اورامان، گوران و کردند، هرسین و صحنه، کنگاور و نهاوند و ملایر و بروجرد و ... رفت و آمد داشته ام و هرگز در هیچ شهر و روستای آن سامان دیار مرا از خود جدا ندانسته و من نیز خود را از آنان جدا نپنداشته ام. در بهار سال ۱۳۶۴ مرحوم استاد «هیمن» به کرمانشاه آمده بودند و کاک «هادی ضیاءالدینی» نیز شاهد هستند. عصر یکی از روزها که می خواستیم به طاق بستان برویم، جلو پارک شهرک مسکن، پیر مرد لکی خیار چنبر می فروخت و داد می زد: «خیار شینگ سه گله میدوم یه تومن». استاد هیمن رحمتی که از این جمله سر در نیاوردند و درک نکردند خطاب به مرد لک گفت: «چه هرا هرایه کته ده لی چی؟» مرد لک نیز چیزی از جملات سورانی مامه هیمن نفهمیدند،

من دخالت کردم و جمله ی مام هیمن را برای مرد لک بیان کردم، مرد لک عصبانی شدند و با صدای بلند داد زدند: بچه و بچه و خالو کوردی نه‌مزانی .

جملات مرد لک را هم به سورانی به مام هیمن گفتم. مام هیمن رحمتی پیر مرد لک را در آغوش گرفت و بوسید و فرمودند راست می‌گویی موقعی که من لهجه ی شما را نمی‌دانم معلوم است که کردی نمی‌دانم و حق با توست .

آری مردمی که هویتش در کتمان است، اجازه نمی‌دهند به زبان خود تحصیل و تدریس نمایند، زبان متحده ای ایجاد نمی‌شود و لهجه‌ها به دلایل دوری مسافت و رفت و آمد کمتر، برای گویشوران ناآشنا می‌نمایند و اگر سورانی و کرمانجی لهجه‌ای به درستی لهجات اورامی، لکی و لری و بختیاری را درک نکنند و نفهمند دلیل بر استقلال و مستقل بودن هیچ یک از این لهجه‌ها نیست. لهجه ی اورامی نیز جدا از این رویکرد نیست و نباید آن را زبان تلقی کرد. بلکه این لهجه مدت‌های مدیدی زبان سرایندگان اغلب شاعران کرد اعم از لک و لر، جاف و سوران، اورامی و گوران، کلهر و فیلی بوده است و سرایندگان به این لهجه اورامی نیز هیچ یک خود را از کردها جدا ندانسته‌اند و نخواستند هویت غیرکردی برای لهجه اورامی بتراشند .

### منابع و پای‌نوشته‌ها :

- 1- آیت الله مردوخ کردستانی - تاریخ کرد و کردستان ج ۱ ص ۴۱ چاپ سنندج ۱۳۵۱
  - 2- ای . م. ارانسکی، مقدمه فقه اللغه ایرانی، ترجمه کریم کشاورز، ص ۳۱۱ چاپ تهران ۱۴۵۸
  - 3- شیرین و خسرو، خانا قبادی، چاپ مه‌مه دمه لا که ریم لاپه ره ۱۰ به غدا ۱۹۷۵
  - 4- شیرین و خسرو، خانا قبادی، م. اورنگ با همکاری صدیق بوره که ی ص ۲۰ چاپ تهران ۱۳۴۸
  - 5- شیرین و خسرو، خانا قبادی، دکتر صدیق بوره که ای (صفی زاده) ص ۲۰ چاپ تهران ۱۳۶۹
- شماره‌های ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱ و ۱۲ دکتر سعیدخان کردستانی مقدمه ی کتاب نرانی مزگانی چاپ لندن ۱۳۰۹ هه تاوی ۱۹۳۵ زایینی
- 13- دکتر ایرج بهرامی، اسطوره ی اهل حق، ص ۸۹ چاپ تهران ۱۳۷۸
  - 14- دکتر صدیق بوره که ی، دانشنامه نام آوران یارسان ص ۳۰۲ چاپ تهران ۱۳۷۶
  - 15- شاهنامه ی کردی سروده مصطفی بن محمود گورانی به اهتمام ایرج بهرامی چاپ تهران ۱۳۸۳
  - 16- چندین نسخه خطی از شاهنامه کردی به لهجه اورامی سروده ی مصطفی بن محمود گورانی و سرهنگ الماس خان کنوله ای در آرشیو این جانب وجود دارد و سرایندگان آنها نیز خود را کرد دانسته و در صدد هویت جعلی زبان و ملت اورامی درنیامده‌اند. نگارنده در این راستا در کنگره ی جهانی فردوسی به معرفی چندین نسخه خطی شاهنامه به لهجه اورامی پرداخته است.